

افشای شاخه مخفی موساد: «کار ما با ایران تمام نشده؛ تازه شروع کرده‌ایم»

هنگامی که دیوید (ددی) بارنیا رئیس موساد شد، بازوی دیگری برای بی‌ثبات کردن ایران تأسیس کرد. اکنون رئیس این شاخه، که با نام مستعار "O" شناخته می‌شود، آنچه در پشت پرده رخ داده است را فاش می‌کند: چگونه مقامات ارشد رژیم از بیرون مجبور به کناره‌گیری می‌شوند («این کار ارزان‌تر از ترور آن‌هاست»)، و چرا هنوز دلیل خوبی برای باور به سقوط رژیم وجود دارد.

نوشته تای لن‌عای

اسرائیل هیوم، پنج‌شنبه ۲۸ مه ۲۰۲۶ [۷ خرداد ۱۴۰۵]

Secret Mossad branch revealed: 'We are not done with Iran. We are just getting started'

When David (Dadi) Barnea became Mossad chief, he established another arm to destabilize Iran. Now the head of the branch, O., reveals what happened behind the scenes: how senior regime officials are forced out from the outside ("it is cheaper than eliminating them"), and why there is still good reason to believe the regime will fall.

By tay Inai

Israel Hayom, May 28, 2026

<https://www.israelhayom.com/2026/05/28/secret-mossad-branch-revealed-we-are-not-done-with-iran-we-are-just-getting-started/>

رستم قاسمی تقریباً از همان ابتدا خاری در چشم جامعه اطلاعاتی اسرائیل بود. او در سال ۱۹۷۹ به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست، به عنوان افسر در جنگ ایران و عراق خدمت کرد، سپس به فرماندهی یک پایگاه دریایی منصوب و در اوایل دهه ۲۰۰۰ به یکی از چهره‌های مرکزی در تقویت نیروهای ویژه نظامی ایران تبدیل شد. پس از بازنشستگی از ارتش، او به عنوان یک وزیر ارشد دولتی و مشاور وزیر دفاع خدمت کرد و به عنوان فردی نزدیک به رئیس‌جمهور ابراهیم رئیسی شناخته می‌شد. جای تعجب نیست که اسرائیل هر حرکت او را زیر نظر داشت.

قاسمی هنوز آینده‌ای در پیش داشت تا روزی، در نوامبر ۲۰۲۲، که گوشی خود را باز کرد و مبهوت شد. سایت خبری «ایران اینترنشنال»، که چهره‌های اپوزیسیون ایرانی اداره می‌کنند، عکسی منتشر کرده بود از زمان سفر او به مالزی. این عکس مقام ارشد ایرانی را در حال در آغوش گرفتن زن جوانی نشان می‌داد که همسرش نبود و شاید بدتر از آن حجاب بر سر نداشت.

این عکس شرم‌آور مانند آتش در سراسر ایران پخش شد؛ آن هم در شرایطی که چند هفته قبل یک زن جوان ایرانی به نام مهسا امینی پس از دستگیری و ضرب و شتم شدید توسط پلیس امنیت اخلاقی، دقیقاً به دلیل نداشتن حجاب، کشته شده بود. یک وبلاگ‌نویس محبوب ایرانی در توئیتر نوشت: «یک مشت منافق کثیف»؛ او یکی از افراد بی‌شماری بود که این عکس افشاکننده را به اشتراک گذاشت و احساسات گسترده عمومی را بیان کرد.

در عرض چند ثانیه، قاسمی به بحث روز در ایران و لکه‌ای بر چهره رژیم اسلام‌گرا تبدیل شد. در عرض چند روز، او مجبور شد استعفای خود را از دولت ارائه دهد. بهانه رسمی «وضعیت پزشکی» بود. قاسمی چند ماه بعد واقعاً به دلیل سرطان درگذشت، یا حداقل این چیزی بود که در رسانه‌های رسمی ایران گزارش شد.

اکنون می‌توان فاش کرد که طرف مسئول درز عکس شرم‌آور قاسمی، آن هم در چنین زمان انفجاری و

حساسی، موساد اسرائیل بود که این عکس را از سال ۲۰۱۱ در اختیار داشت. از دیدگاه موساد این یک دستاورد مضاعف بود: حذف یک چهره نظامی کارگشته و زیرک از موقعیت نفوذ، و در عین حال دامن زدن به اعتراضات حجاب که در آن زمان ایران را ملتهب کرده بود.

این رویه، یعنی استفاده از رسانه‌ها برای برکناری مقامات ارشد ایرانی از سمت‌هایشان، تا آن زمان در موساد رایج نبود.

"O" که در آن زمان یکی از مقامات ارشد این سازمان بود، توضیح می‌دهد: «به طور سنتی، موساد می‌دانست که چگونه عمدتاً از طریق ترور از شر افراد خلاص شود. اما وقتی شخصی وجود دارد که به شما آسیب می‌رساند، افشای جزئیات شرم‌آور از گذشته او اغلب منجر به واکنشی فوری می‌شود که در آن او از حلقه خارج می‌شود. آن‌ها به سادگی او را اخراج می‌کنند یا به موقعیت دیگری منتقل می‌کنند. اجرای یک عملیات تأثیرگذار که در نهایت باعث خلاص شدن از شر کسی شود، بسیار ارزان‌تر و ساده‌تر از یک عملیات ترور است. در گذشته موساد با این مفاهیم فکر نمی‌کرد. امروز، موساد مسئول برکناری تعداد قابل توجهی از مقامات ارشد در ایران بوده است.»

ماشین سم

عملیات مخفی برای سرنگونی قاسمی در شاخه عملیات نفوذ موساد متولد شد؛ بخشی که دامنه فعالیت آن برای اولین بار در اینجا فاش می‌شود. این شاخه تنها در سال ۲۰۲۱، به عنوان بخشی از اصلاحات سازمانی عمیقی که بارنیا بلافاصله پس از ورود به دفتر ریاست موساد انجام داد، تأسیس شد. نگاهی به نتایج این اصلاحات نشان می‌دهد که تا چه حد تغییرات ساختاری و مفهومی که بارنیا در موساد ایجاد کرد، در کارزار علیه ایران مورد استفاده قرار گرفت.

شاخه عملیات نفوذ تنها یک نمونه است. آنچه در آنجا به عنوان عملیات‌های سوژه‌محور و محدود برای بیرون راندن مقامات ارشد آغاز شد، دروازه‌ها را به روی موجی از خلاقیت گشود و شاید برای اولین بار به پرسنل موساد دیدگاه وسیع‌تری نسبت به ایران، این دشمن بزرگ، داد. "O"، که این شاخه را تأسیس کرد و تا سه ماه پیش ریاست آن را بر عهده داشت، می‌گوید: «وقتی من این سمت را شروع کردم، گفتن دو کلمه "تغییر رژیم" در موساد ممنوع بود.»

«DNA سازمانی و فرهنگی موساد شامل فعالیت‌هایی است که نتیجه نهایی آن بسیار ملموس و واضح است. در نهایت یک چیزی باید بسوزد، یک نفر باید بمیرد. در مقابل، یک رویداد بی‌شکل که قلب‌ها، احساسات و باورهای مردم را هدف قرار دهد، چیزی بود که موساد از آن بسیار می‌ترسید.»

در زمان سپری شده از آن زمان تاکنون سرنگونی رژیم ایران به یکی از مأموریت‌های اصلی موساد تبدیل شده است و این موضوع با تمام قوا در «عملیات شیر غران» (Operation Roaring Lion) خود را نشان داد.

نمی‌توان همه چیز را فاش کرد، اما یکی از زیرساخت‌هایی که شاخه نفوذ از پیش برای این عملیات آماده کرده بود، یک «ماشین سم» بود که موساد در شبکه‌های اجتماعی اداره می‌کند. این ماشین بر اساس حساب‌های جعلی کار می‌کند و اطلاعاتی را با هدف تضعیف ثبات رژیم نشر می‌دهد. یک منبع آگاه با لبخند می‌گوید: «هر سیاستمداری چنین ماشین سمی را می‌خواهد.» علاوه بر این، شبکه اپوزیسیون «ایران اینترنشنال» گزارش

داد که شبکه‌های تلویزیونی رسمی رژیم در جریان حملات هک شده‌اند و سخنرانی‌های رئیس‌جمهور دونالد ترامپ، نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو و شاهزاده رضا پهلوی، که توده‌های ایرانی را به حضور در خیابان‌ها تشویق می‌کردند، روی صفحه نمایش پخش شده است.

همانطور که می‌دانیم، در جریان عملیات‌ها در ایران عوامل موساد در خاک ایران فعال شدند و از جمله برای ضربه زدن به پرتابگرهای موشکی تلاش کردند. نمی‌توان رد کرد که برخی از آن عوامل در عملیات‌های نفوذ نیز مشارکت داشتند مانند عکس‌برداری از حملات به تأسیسات بسیج و سایر نهادهای رژیم و توزیع تصاویر به منظور کاهش سطح ترس افکار عمومی ایران. "O" می‌گوید: «از قضا، وقتی جنگ درگرفت، ما قابلیت‌های زیادی در زمینه نفوذ داشتیم.»

کشف اینکه تمام این تلاش‌ها در موساد تنها در عرض چند سال ساخته شده حیرت‌انگیز است. اما جایگاهی که حوزه نفوذ در کارزار کلی علیه ایران به خود اختصاص داد نیز به همان اندازه جالب است: پیش از «عملیات شیر غران» موساد از قبل معتقد بود که ترکیب عملیات‌های نفوذ به همراه حملات هوایی آمریکا و اسرائیل، به یک نتیجه دراماتیک، یعنی سرنگونی رژیم ایران منجر خواهد شد. این حداقل چیزی است که بارنیا، رئیس موساد، در یک تماس ویدیویی در روزهای پیش از حمله به رئیس‌جمهور ترامپ وعده داد.

رژیم ایران تا زمان نگارش این مقاله هنوز سقوط نکرده است که این امر انتقادات تندی را متوجه موساد و رئیس آن کرده است. برخی آن را یک شکست باشکوه توصیف می‌کنند. در مقابل، مقامات موساد استدلال می‌کنند که آن‌ها هرگز قول نداده بودند که رژیم ایران در طول جنگ سقوط خواهد کرد، و خودشان صبر دارند. منابعی که اخیراً با بارنیا صحبت کرده‌اند می‌گویند او متقاعد شده است که اگر رئیس‌جمهور ترامپ از امضای توافق‌نامه‌ای که اجازه احیای اقتصاد ایران را می‌دهد خودداری کند و محاصره این کشور ادامه یابد، رژیم آیت‌الله‌ها تا پایان سال ۲۰۲۶ سقوط خواهد کرد.

"O" می‌گوید: «هر کسی که فکر می‌کند به محض اینکه آخرین هواپیما آسمان را ترک کند، رژیم بلافاصله سقوط می‌کند، باید درک کند که این‌گونه کار نمی‌کند. من شکی ندارم که در آینده، "عملیات شیر خیزان" (Operation Rising Lion) به عنوان یک نقطه عطف مهم در مسیر سقوط رژیم در یادها خواهد ماند.»

اصلاحات ددی

روز دوشنبه، با فرض اینکه دیوان عالی عدالت انتصاب سرلشکر رومان گوفمن را رد نکند، انتظار می‌رود بارنیا به پنج سال ریاست خود بر موساد پایان دهد. این احتمالاً طوفانی‌ترین دوره تصدی یک رئیس موساد در تاریخ بوده است؛ اولین بار که این سازمان بخش جدایی‌ناپذیر از جنگی را بر عهده گرفت که اسرائیل علیه دشمنانش به راه انداخته است.

منابعی که با ما صحبت کردند، دستاوردهای موساد در جنگ، عملیات پیچرهای ترور حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله، و مهمتر از همه فعالیت‌هایی که در خاک ایران در «شیر خیزان» و «شیر غران» انجام شد را به اصلاحاتی نسبت می‌دهند که بارنیا در این سازمان انجام داد. نگاهی جامع به این اصلاحات مسلماً نشان می‌دهد که تغییر شکل سریع موساد چقدر در کارزار مداوم پس از ۷ اکتبر خود را ثابت کرده است.

بارنیا از همان دو ماه فاصله بین اعلام انتصابش تا ورود به دفتر ریاست موساد در سپتامبر ۲۰۲۱ روی

یک حرکت سازمانی گسترده کار کرد که چهره موساد را تغییر می‌داد و آن را با چالش‌های زمانه سازگار می‌کرد. پس از یک فرآیند سازمانی جامع، که شامل یک انجمن تفکر استراتژیک بود و با همکاری رؤسای شاخه‌ها انجام شد، بارنیا چند شاخه جدید در موساد تأسیس کرد و برخی دیگر را به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم کرد.

همه از این اصلاحات مشتاق نبودند. در اقدامی که باعث نارضایتی برخی افراد در سازمان شد، بارنیا شاخه «تسومت» (Tzomet)، قلب موساد و بدنه مسئول استخدام و هدایت عوامل عملیاتی در سراسر جهان، را منحل کرد. به جای آن، سه شاخه جدید تأسیس شد. یکی از آن‌ها شاخه عملیاتی بود که در استخدام و هدایت عوامل غیراسرائیلی تخصص دارد. این عوامل قرار بود نه تنها مانند گذشته اطلاعات دهند، بلکه عملیات‌های پیچیده نیز انجام دهند و جایگزین عوامل اسرائیلی موساد شوند که دسترسی آن‌ها به کشورهای دشمن به دلیل توسعه فناوری تشخیص چهره مسدود شده بود.

نتیجه «اصلاحات در زمینه ایجنس‌ها» قبلاً در «شیر خیزان» مشهود بود، زمانی که شاخه عملیاتی ده‌ها هسته از عوامل خارجی [ایرانی] را در خاک ایران با موفقیت فعال کرد. آن‌ها از روی زمین، به سیستم‌های پدافند هوایی و پرتابگرهای موشکی ایران ضربه زدند و به نیروی هوایی اسرائیل در دستیابی به برتری هوایی و کاهش حجم شلیک موشک به سمت اسرائیل کمک کردند.

یک منبع آگاه از کار موساد در این جنگ می‌گوید: «این شاخه‌ای است که موفق به استخدام و آموزش عوامل خارجی در سطح بسیار بالا شد، از جمله آموزش در داخل اسرائیل. وقتی ددی اصلاحات را شروع کرد، نمی‌دانست نتایج آن به این سرعت خود را نشان می‌دهد. به این واقعیت فکر کنید که قبل از شیر خیزان، ده‌ها فرد غیراسرائیلی در داخل ایران بودند که می‌دانستند حمله در شرف آغاز است، و حتی یک کلمه هم به زبان نیاوردند. شک و تردیدهای زیاد، حتی در داخل موساد، وجود داشت که چنین چیزی اصلاً امکان‌پذیر باشد.»

«نوشتن یک پست، آیا این اطلاعات است؟»

یکی از شاخه‌های جدید که در دوران ریاست بارنیا تأسیس شد، همان‌طور که اشاره شد، شاخه عملیات نفوذ است. مشخص شده است که تا سال ۲۰۲۱ موساد تنها دارای یک بخش کوچک بود که به این حوزه می‌پرداخت و صرفاً روی جنگ روانی متمرکز بود و عمدتاً عملیات‌های هدفمندی را علیه افراد آغاز می‌کرد. در گفتگوهای خصوصی، بارنیا اخیراً قابلیت‌های این شاخه جدید را به عنوان یک «سلاح غیرمتعارف» تعریف کرده است؛ سلاحی که استفاده از آن می‌تواند نتیجه‌ای به همراه داشته باشد که جنگ بین اسرائیل و ایران را به طور قاطع تعیین تکلیف کند.

مرد مسئول این سلاح غیرمتعارف "O" است که در اینجا برای اولین بار با او مصاحبه می‌شود. او ۵۱ ساله است، در ارتش اسرائیل در «واحد ۸۲۰۰» خدمت کرده و از سال ۲۰۰۳ در موساد حضور داشته است. او بیشتر دوران حرفه‌ای خود را به عنوان افسر جمع‌آوری اطلاعات و هدایت عوامل در خارج از کشور گذراند. در سال ۲۰۲۰، توسط یوسی کوهن به ریاست کارزار دیپلماتیک-استراتژیک موساد منصوب شد و جایگزین ایال هولاتا گشت که بعداً به عنوان مشاور امنیت ملی منصوب شد.

هنگامی که بارنیا روند تفکر را پیش از ورود به پست ریاست موساد آغاز کرد، یکی از جلساتی که او برگزار کرد با "O" بود. "O" می‌گوید: «وقتی رئیس یک سازمان تغییر می‌کند، این فرصت فوق‌العاده‌ای است

برای بررسی اینکه واقعیت چگونه به نظر می‌رسد، چه چیزی تغییر کرده است، جعبه ابزار چگونه است و درک اینکه چه تنظیماتی مورد نیاز است. به طور کلی، این کاری است که ددی انجام داد. در گفتگوی بین ما، ددی و من خیلی سریع به دنیای نفوذ رسیدیم. درک این بود که موساد در این زمینه تا حدودی به خواب رفته است، در حالی که این حوزه در بیرون با سرعتی دیوانه‌وار در حال توسعه بود، که عمده‌تاً به دلیل فناوری‌های جدید است. این عظمت ددی است، و در سایر اقداماتی که در اصلاحات خود انجام داد نیز تکرار می‌شود؛ این درک که در اینجا چیزی وجود دارد که باید تغییر کند.»

اولین قدم "O"، پس از انتصاب به دنبال آن گفتگو برای تأسیس و ریاست شاخه نفوذ، ملاقات با متخصصان تبلیغات و بازاریابی، روزنامه‌نگاران و فعالان کمپین‌های سیاسی بود. در مرحله بعد، او یک بخش اطلاعاتی جدید را برای درک حال و هوای عمومی و روندهای رسانه‌ای در ایران تأسیس کرد. او توضیح می‌دهد: «بخش بزرگی از اطلاعات در دنیای نفوذ مبتنی بر منابع آشکار، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی است. در آن سال‌های قبل از ۷ اکتبر اطلاعات آشکار open-source intelligence در اوج خود نبود. من برخلاف جریان آب شنا می‌کردم و همچنین با رفتار تحقیرآمیزی روبرو شدم. مردم به من می‌گفتند: "تو به این می‌گویی اطلاعات؟ کسی که یک پست می‌نویسد؟" امروز، مردم به شکل متفاوتی به آن نگاه می‌کنند.»

شیرجه زدن در احساسات درونی افکار عمومی ایران، از جمله بر نظرسنجی‌های انجام شده در داخل کشور متکی بود. "O" می‌گوید: «یک مدیر کمپین سیاسی را تصور کنید که می‌خواهد بیشترین رأی ممکن را برای نامزد خود بیاورد. ابزارهای اطلاعاتی او نظرسنجی‌ها و گروه‌های متمرکز هستند.»

و شما کشف کردید در ایران چه می‌گذرد؟

«ما شاهد رشد بسیار چشمگیر در اردوگاهی هستیم که با رژیم مخالف است. در نهایت، شرایط اقتصادی و اجتماعی در داخل ایران به این معناست که افراد بیشتر و بیشتری به این رژیم اعتقاد ندارند و نمی‌خواهند وجود داشته باشند. اعتراضاتی که به طور طبیعی در طول سال‌ها آغاز شد، خود نشان‌دهنده اتفاقاتی است که از نظر عمومی در آنجا رخ می‌دهد.»

کجا بله و کجا نه

نگاهی گذرا به قلب شهروندان ایرانی جرقه‌ای در ذهن "O" و افرادش ایجاد کرد. آن‌ها شروع به درک این موضوع کردند که یک برگ برنده در دست دارند؛ کارتی برنده که می‌تواند سرنوشت کارزار را تعیین کند. تغییر رژیم.

"O" می‌گوید: «مشکل این است که تجربیات حاصل از تلاش‌های قبلی موساد برای سرنوشتی رژیم‌ها در حافظه سازمانی به عنوان شکست، هدر دادن منابع و مزخرف حک شده بود. در واقع، من مجبور بودم یک عملیات نفوذ در داخل خود موساد انجام دهم تا مردم را متقاعد کنم که این امر امکان‌پذیر است، و این یک چالش بود. از یک طرف، همه می‌دانستند که یک بازی تغییردهنده (Game Changer) دیوانه‌کننده در اینجا وجود دارد، زیرا این فقط یک عملیات دیگر نیست، بلکه چیزی است که تصویر را کاملاً تغییر می‌دهد. از طرف دیگر، هیچ کس واقعاً نمی‌داند چگونه یک رژیم را سرنگون کند یا شانس موفقیت آن چقدر است. این نوعی قمار است.»

این قمار قبلاً در «شیر خیزان» خود را نشان داد. در ساعات اولیه پس از حمله غافلگیرانه در ۱۳ ژوئن، عکس‌های تار شده‌ای در رسانه‌ها توزیع شد که نشان می‌داد عوامل موساد در خاک ایران به سیستم‌های موشکی پیشرفته مسلح هستند. در رسانه‌های اسرائیل این انتشار به عنوان یک حرکت روابط عمومی از سوی موساد تفسیر شد که ظاهراً به دنبال برجسته کردن نقش خود در موفقیت عملیات بود. اکنون "O" فاش می‌کند که این عکس‌ها در واقع بخشی از یک عملیات نفوذ بود اما عملیاتی کاملاً متفاوت. او می‌گوید: «شاخه من آن عکس‌ها را توزیع کرد.»

چرا؟

«وقتی اطلاعاتی در مورد افکار عمومی ایران و نحوه درک آنها از رژیم خود جمع‌آوری می‌کنید، به طور فزاینده‌ای متوجه می‌شوید که چرا آن‌ها به خیابان‌ها نمی‌آیند و آن را سرنگون نمی‌کنند. آن‌ها به سادگی به شدت می‌ترسند. می‌ترسند، زیرا این رژیم تمام توان خود را به کار بسته تا تصویری از قدرت بلامنازع به نمایش بگذارد. به همین دلیل است که یک جوان بیچاره ایرانی را می‌گیرد، او را به عنوان جاسوس اسرائیل معرفی می‌کند و او را در یک دادگاه نمایشی تلویزیونی قرار می‌دهد. این حرکتی است که برای ایجاد همان تصویر از یک رژیم همه‌چیزدان طراحی شده است. اینگونه است که شما در طول سال‌ها یک سد ترس می‌سازید و مطمئن می‌شوید که عموم مردم، حتی اگر ناراضی باشند، زیر بار اقتصادی در حال فروپاشی باشند و چیزی برای خوردن نداشته باشند، از بیرون رفتن به خیابان‌ها می‌ترسند. درز کردن عکس عوامل در خاک ایران برای خرابکاری در آن مکانیسم بود. یکی از محورهای مهم فعالیت نفوذ این است که به طور مداوم تصویر رژیم را فرسایش دهد، تا افکار عمومی بفهمد که رژیم همه چیز را نمی‌داند و یک مکانیسم پیچیده و مصون نیست. دقیقاً به همین دلیل است که بسیاری از عملیات‌هایی که ما انجام دادیم برای نشان دادن نفوذپذیری آن‌ها بود.»

انتشار این عکس‌ها در جریان «شیر خیزان» نه تنها آژانس‌های امنیتی ایران را دیوانه کرد و آن‌ها را به راه‌اندازی یک کمپین بگروبیند و دستگیری صدها «جاسوس اسرائیلی» سوق داد (موساد ادعا می‌کند هیچ یک از دستگیرشدگان عامل آن نبوده‌اند)، بلکه باعث شوکه شدن برخی از پرسنل سابق موساد نیز شد. آن‌ها عادت داشتند فعالیت‌هایشان در تاریکی انجام شود و تمام تلاش‌شان معطوف به جلوگیری از علنی شدن کارها بود.

در این زمینه نیز، یعنی استفاده از رسانه‌های جمعی، "O" مجبور بود برخلاف نگرش‌های غالب در سازمان کار کند. یکی از مهارت‌هایی که افراد او توسعه دادند مربوط به استفاده از کانال‌های رسانه‌ای مختلف در داخل ایران بود.

"O" می‌گوید: «برای مثال، ما می‌خواستیم شخصیتی را که رژیم می‌خواهد از شهروندانش پنهان کند، به اطلاع عموم در ایران برسانیم. او یک شخصیت اقتصادی است که ما از طریق اطلاعات موساد می‌شناسیم، اما هرگز آن را در بیرون به اشتراک نگذاشته بودیم، زیرا ما دوست نداریم اطلاعات را افشا کنیم. ما پتانسیل این اطلاعات را درک کردیم و شروع به بازگو کردن آن در شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های افشاگر کردیم، زیرا در نهایت یک مخاطب هدف وجود دارد و شما باید به او برسید. گاهی اوقات به نظر می‌رسد که افکار عمومی ایران در چشم رژیم عاملی تأثیرگذار نیست، اما این درست نیست. رژیم دائماً برای حفظ حاکمیت خود کار می‌کند و هرگونه تلخی در جامعه رویدادی است که سعی می‌کند از آن جلوگیری کند. بنابراین، لحظه‌ای که بتوانید چیزی را که رژیم می‌خواهد پنهان کند برای افکار عمومی فاش کنید، پتانسیل قابل توجهی برای ایجاد یک حرکت درونی از داخل ایران دارید. نمی‌توان رد کرد که برخی از گزارش‌های منتشر شده در ایران

در رابطه با این حوزه‌ها از ما شروع شده باشد.»

این چگونه اتفاق می‌افتد؟

«یکی از چالش‌های اصلی زمانی که می‌خواهید پیام‌هایی را در داخل ایران توزیع کنید این است که بازار رسانه بسیار تحت نظارت و سانسور است. اتفاقاً در لبنان این یک رویداد لذت‌بخش‌تر است، زیرا رسانه‌های لبنانی بسیار در دسترس‌تر از رسانه‌های ایرانی هستند. به دلیل ویژگی‌های لبنان، هر جامعه و گروهی در رسانه‌ها نماینده دارد و شما می‌دانید که چگونه تقریباً هر پیامی را که می‌خواهید در رسانه‌ها وارد کنید.»

تصادفی نیست که "O" از لبنان نام می‌برد. زمانی که شاخه نفوذ تأسیس شد، به آن مأموریت داده شد تا تنها و تنها به دو کشور بپردازد: ایران و لبنان. من از "O" می‌پرسم که آیا این نگرانی وجود ندارد که قابلیت‌های نفوذ توسعه‌یافته در این شاخه، همان «سلاح غیرمتعارف» به قول خود بارنیا، ممکن است به سمت کشورهای دیگر، شاید حتی کشورهای دوست، یا شاید حتی به سمت داخل خود اسرائیل نشانه رود؟

او پاسخ می‌دهد: «من این نگرانی‌ها را شنیده‌ام، اما هیچ تفاوتی بین کسی که بخواهد این قابلیت‌ها را به سمت مکان‌های نامناسب هدایت کند و قابلیت‌های سایر شاخه‌های عملیاتی نمی‌بینم. از این گذشته، سایر قابلیت‌هایی که موساد دارد نیز می‌تواند به سایر عرصه‌ها هدایت شود. این یک مسئله مسئولیت اساسی است که به همه شاخه‌ها مربوط می‌شود. فراتر از آن، هدایت ابزارها به عرصه دیگر چندان آسان نیست. وقتی من این شاخه را ساختم، قابلیت‌های آن با توجه به ایران و لبنان ساخته شد. کانال‌ها، زیرساخت‌ها و ابزارها به این شکل ساخته شده‌اند. برای مثال، اگر بخواهم در جای دیگری شروع به کار کنم، باید دوباره شروع به ساخت قابلیت‌ها کنم. اینطور نیست که فقط یک دکمه را فشار دهم.»

اگر کسی تصمیم بگیرد که اکنون شاخه نفوذ را به مکزیک ببرد، حداقل به یک سال کار برای مطالعه مخاطبان هدف، جمع‌آوری اطلاعات و ساخت زیرساخت‌ها نیاز است. من می‌فهمم چرا مردم نگران هستند، اما این یک خطر ملموس نیست.»

همه چیز تحت کنترل ما نیست

تغییر رژیم یکی از اهداف موساد در «شیر خیزان» نبود، اما در ماه‌های پس از آن، این درک به تدریج شکل گرفت که این امر امکان‌پذیر است.

در طول آن ماه‌ها، این شاخه به ایجاد زیرساخت‌های خود در داخل ایران سرعت بخشید. فراتر از «ماشین سم»، شاخه نفوذ همچنین با اینفلوئنسرهای آنلاین، که برخی از آن‌ها در داخل ایران بودند، ارتباط برقرار کرد تا بتوانند به انتشار پیام‌ها در رسانه‌های اجتماعی کمک کنند. در موارد دیگر، خود موساد با استفاده از هوش مصنوعی، اینفلوئنسرهای آنلاین ایجاد کرد. "O" می‌گوید: «همه این‌ها با این درک که با رسیدن حرکت نظامی، فشار دیگری وارد می‌شود، تشدید می‌شد.»

موساد ماه مه ۲۰۲۶ را به عنوان تاریخ آمادگی برای حرکت نظامی بعدی تعیین کرده بود. اعتراضات در بازار تهران، که در دسامبر ۲۰۲۵ آغاز شد و در سراسر کشور گسترش یافت، آن‌ها را غافلگیر کرد.

یک منبع آگاه از جزئیات می‌گوید: «ما برای تأثیرگذاری بر مخاطبان جوان و طرفداران پهلوی کار می‌کردیم و ناگهان اعتراضات از بازار، از پایگاه اصلی رژیم، می‌آید. ما هیچ ارتباطی با آن نداشتیم.» در واقع، از دیدگاه موساد، بهتر بود که اعتراضات دیرتر آغاز شود، زیرا آن‌ها به عنوان یک کاتالیزور عمل کردند که ترامپ را متقاعد کرد زودتر از آنچه موساد امیدوار بود وارد کارزار علیه ایران شود. این منبع آگاه می‌گوید: «جنگ خیلی زود شروع شد، زیرا پس از سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات، هنوز مکانیسم ترس وجود داشت که مانع از بازگشت مردم به خیابان‌ها می‌شد.»

با این وجود، موساد تصمیم گرفت در جریان «شیر غران» یک برنامه سازمان‌یافته برای سرنگونی رژیم فعال کند؛ برنامه‌ای که بر اساس این دیدگاه روشن بنا شده بود که تنها سرنگونی رژیم و جایگزینی آن از چشم‌انداز ایران برای نابودی اسرائیل و بازگشت به دوره‌های مکرر درگیری جلوگیری می‌کند. برنامه موساد شامل بسته‌ای از مأموریت‌های عملیاتی، و همچنین آموزش و تسلیح نیروهای کرد در داخل ایران و در مرزهای آن بود.

بارنیا بیش از یک بار به تصمیم‌گیرندگان در اسرائیل گفت که این یک طرح مؤثر و امکان‌پذیر است و او به توانایی آن برای تغییر واقعیت در ایران و به ارمغان آوردن سقوط رژیم اعتقاد دارد. یکی از منابع آگاه از جزئیات این طرح می‌گوید: «اگر در شیر خیزان هدف موساد حمله به سایت‌های هسته‌ای و موشک‌های زمین‌به‌زمین بود، در شیر غران هدف از قبل تغییر رژیم بود.» ضمناً، همه بخش‌های این طرح توسط رده‌های سیاسی پذیرفته نشد.

یک ترکیب مرگبار

آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) قبلاً از طرح موساد آگاه بود و از آن حمایت می‌کرد، و این سازمان سیا بود که به بارنیا کمک کرد تا رئیس‌جمهور ترامپ را نیز متقاعد کند. "O" این هفته در پاسخ به سؤالی در این باره گفت: «من در آن گفتگو حضور نداشتم، اما بسیار شک دارم که بارنیا به ترامپ قول داده باشد که رژیم در طول جنگ سقوط خواهد کرد. هیچ فرد باهوشی واقعاً فکر نمی‌کند که بلافاصله پس از پایان بمباران رژیم سقوط می‌کند. این‌گونه کار نمی‌کند.»

شما به عنوان رئیس شاخه نفوذ در روزهای منتهی به «شیر غران» چه فکر می‌کردید؟

«اینکه ما در دوره‌ای هستیم که شکاف بین مردم و رژیم در اوج خود است، که نشانه‌ای قطعی وجود دارد مبنی بر اینکه اتفاقی در رابطه بین مردم و رژیم در حال رخ دادن است، و شما یک فرصت واقعی برای بهره‌برداری از این شکاف دارید. نکته دوم این است که موساد ابزارهایی دارد که می‌داند چگونه شکاف را عمیق‌تر کند و اگر یک عامل نظامی را نیز وارد کنید، ابزارهای نفوذ قدرت بیشتری پیدا می‌کنند. ما به آمریکایی‌ها می‌گوئیم که توانایی صحبت با مردم و ایجاد حرکات تأثیرگذاری را داریم که می‌تواند حملات نظامی و درخواست برای قیام را بسیار تقویت کند، و همچنین روابط بالقوه‌ای با عناصری وجود دارد که ممکن است بتوانند رهبری را به چالش بکشند و شاید نوعی جایگزین ایجاد کنند.»

می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟

«نه.»

آیا از نتیجه عملیات «شیر غران» ناامید هستید؟

«فکر می‌کنم وقتی به آن به عنوان ایستگاهی در مسیر خلاص شدن از شر رژیم نگاه می‌کنید، یک موفقیت بسیار بزرگ بود. این رژیم طول عمر مشخصی دارد. از منظر من به عنوان شاخه نفوذ، مأموریت نزدیک‌تر کردن سقوط رژیم و سرعت بخشیدن به ساعت شنی پایان آن است. آیا اقدامات انجام شده در جریان عملیات نظامی و مهمتر از آن، اقداماتی که اکنون پس از عملیات نظامی آغاز خواهد شد، طول عمر رژیم را کوتاه خواهد کرد؟ قطعاً. نخست‌وزیر دقیقاً آن را بیان کرد: هدف این عملیات ایجاد شرایطی بود که مردم را برای سرنگونی رژیم بیرون بیاورد و به نظر من این اتفاق افتاد. به شاخه نفوذ فرصتی داده شد تا به یک جنبش سخت به شدت بی‌ثبات‌کننده متصل شود، که تحرکات ما را به شدت تقویت کرد و شکی نیست که به زودی نتایج آن را خواهیم دید.

همچنین باید به خاطر داشت، اینطور نیست که نقش شاخه نفوذ به پایان رسیده باشد. تا حد زیادی، اکنون در حال شروع به کار با شدت بسیار بالا است. آیا سرنگونی رژیم سه ماه، نیم سال یا یک سال طول می‌کشد؟ هیچ کس نمی‌داند. اما من کمترین تردیدی ندارم که این اتفاق بسیار سریع‌تر از آنچه بدون شاخه نفوذ و موساد رخ می‌داد، به وقوع خواهد پیوست.»